



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره مریض بود، بر شخص مریض کتاباً و سنتاً و اجماعاً و عقلاً (با شرایطی که گذشت) واجب است که روزه اش را بخورد، و اما کتاباً همان آیه ۱۸۵ از سوره بقره بود که قبلاً خواندیم: «فمن كان منكم مريضاً أو على سفرٍ فعِدَّةٌ من أيامٍ آخرٍ»، و اما سنتاً روایات زیادی در این رابطه داریم که امروز مقداری از آنها را می خوانیم، و اما اجماعاً فی الجمله لم یخالف أحدٌ از علمای اسلام که مریض از روزه گرفتن مرخص است و اما عقلاً اینکه دفع ضرر محتمل و متیقن و معلوم عقلاً واجب است (ضرر یقینی و ظنی و حتی احتمال عقلانی)، و حتی می توانیم یک دلیل دیگر هم اضافه کنیم و آن مسئله فطرت است زیرا بعضی از مسائل عقلی است و بعضی دیگر فطری است، فطری یعنی اینکه یک کشش در نهاد و ذات و درون انسان وجود دارد مثل محبت مادر نسبت به فرزندش که فطری است و در ذات او وجود دارد، بنابراین کتاباً و سنتاً و اجماعاً و عقلاً و بلکه فطرتاً روزه گرفتن بر مریض واجب نیست.

خوب حالا می رویم سراغ روایات مذکور در این باب، دیروز خبر اول و دوم از باب ۱۹ از ابواب من یصح منه الصوم را خواندیم و گفتیم که در این دو خبر خوف از عروض و یا شدت و یا طولانی شدن ایام مرض میزان و ملاک قرار داده شده است. در خبر دوم و سوم از باب ۲۰ از ابواب من یصح منه الصوم قوت و ضعف میزان قرار داده شده مثلاً در خبر دوم گفته شده: **إذا قوی فلیصم** و در خبر سوم گفته شده: **فإن وجد ضعفاً فلیفطر وإن وجد قوةً فلیصمه**. و اما در خبر ششم از همین باب ۲۰ صداع شدید و حمی شدید و رمده شدید میزان قرار داده شده، و صداع همان درد سر است و حمی یعنی تب و رمده هم یعنی درد چشم. در خبر ۱ و ۸ از همین باب ۲۰ گفته شده: **إذا لم یستطع أن یتسحر: یعنی اگر قدرت بر سحری خوردن ندارد روزه نگیرد و**

معلوم است که انسان مریض است که قدرت بر سحری خوردن ندارد زیرا انسان سالم قدرت و اشتها به خوردن سحری را دارد، خلاصه اینکه در این دو خبر ملاک عدم استطاعت از تسحر قرار داده شده که این کنایه از این است که چنین شخصی مریض است و روزه برایش ضرر دارد.

خوب و اما در خبر ۹ از همین باب ۲۰ گفته شده: **کلّ شیء من المرض أضرّ به الصوم فهو یسهه ترک الصوم**: یعنی هر مرضی که به واسطه آن روزه گرفتن برای شخص ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد. در خبر ۳ و ۵ از همین باب ۲۰ نیز گفته شده: **هو أعلم بنفسه**: یعنی شخص از احوال خودش با خبر است فلذا اگر در حال خودش طاقت و قدرت بر روزه گرفتن را نمی بیند روزه نگیرد، بنابراین در این دو خبر میزان حال خود شخص قرار داده شده است. و اما در خبر اول از باب ۲۲ از ابواب من یصح منه الصوم گفته شده: **«فإن صام فی السفر أو فی حال المرض فعليه القضاء»** یعنی در این موارد امر به روزه ندارد بلکه نهی دارد یعنی جواز خوردن همراه با وجوب خوردن است (یعنی واجب است که بخورد) بنابراین اگر روزه بگیرد باید بعداً آن را قضاء کند. خوب این مقداری از اخبار باب بود که به طور خلاصه خدمتان عرض شد و اما از لحاظ سند بعضی از آنها ضعیف هستند ولی مورد عمل فقهای ما واقع شده اند و همانطور که قبلاً عرض کرده ام در نظر بنده معیار حجیت خبر واحد از راه بناء عقلاء می باشد و بنای عقلاء بر این است که هر خبری که موجب حصول اطمینان شود حجّت است هر چند که ضعیف باشد، بنابراین اگر خبری ضعیف السند هم باشد عمل فقهای ما به آن ضعفش را جبران می کند. اما اگر بخواهیم جمع بین این اخبار کنیم باید بگوئیم که معیار و میزان خوف ضرر (به هر شکل ممکن) می باشد و صاحب عروة هم در عبارتش به همین صورت مسئله را مطرح کرده است، ایشان فرموده اند: **(السادس): عدم المرض أو الرمد الذی یضره الصوم لإیجابہ شدته أو طول برئه أو شدّة ألمه أو نحو ذلك سواء حصل یقین بذلك أو الظنّ بل أو الاحتمال الموجب للخوف بل لو خاف الصحیح من حدوث المرض لم یصح منه**. درباره احتمال، میزان احتمال عقلانی است که موجب خوف شود، بلکه انسان

صحيح و سالم نیز اگر احساس کند که با روزه گرفتن مریض خواهد شد نباید روزه بگیرد که خبر اول از باب ۱۹ تقریباً بر همین مطلب دلالت داشت: «إِذَا خَافَ عَلَى عَيْنِهِ الرَّمَدَ» که این لفظ اعم است از اینکه الآن درد چشم داشته باشد و یا اینکه اگر روزه بگیرد درد چشم بر او عارض خواهد شد. خوب و اما مطلبی که لازم است در اینجا ذکر شود این است که خوف ضرر به چند قسمت تقسیم می شود؛ اول اینکه خوف ضرر داشته و روزه اش را خورده ولی بعداً معلوم شده که اصلاً هیچ ضرری نداشته و دوم اینکه گاهی ضرر است ولی خوف نیست یعنی روزه برایش ضرر داشته ولی او نمی دانسته که برایش ضرر دارد لذا خوفی نداشته و روزه اش را گرفته ولی بعداً فهمیده که روزه برایش ضرر داشته است و صورت سوم این است که خوف ضرر است و ضرر هم بوده بنابراین نسبت عام و خاص من وجه می باشد و اینکه کدام مورد از این سه صورت ملاک و میزان است مد نظرتان باشد تا اینکه بعداً درباره آن بحث کنیم...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله

على محمد و آله الطاهرين